

ارزیابی مدل رابطه بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری ابعاد
دل‌بستگی ناایمن در پرستاران*

Evaluating the Model of Relationship between Family of Origin and
Marital Satisfaction with Mediator Role of Insecure Attachment
Dimensions in Nurses

Gh. Rajabi, Ph.D.

دکتر غلامرضا رجبی

استاد گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز

R. Kord Azizpour Mohammadi, M.A.

رضوان کرد عزیزپور محمدی

کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز

M. Taghipoor, M.A.

منوچهر تقی‌پور

عضو هیأت علمی گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز

دریافت مقاله: ۹۵/۵/۱۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۶/۱/۲۳

پذیرش مقاله: ۹۶/۳/۲

Abstract

The purpose of the current research was to evaluate the model of insecure attachment dimensions as mediators of the relationship between family of origin and marital satisfaction among married female nurses in Ahvaz. This research is a descriptive-correlational study. One hundred ninety eight married female nurses were selected based on the including and excluding criteria among volunteer nurses from hospitals of Ahvaz city, who completed

چکیده

هدف این پژوهش، ارزیابی مدل رابطه بین ابعاد دل‌بستگی ناایمن به عنوان میانجی‌های رابطه بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی در پرستاران متأهل شهر اهواز بود. این مطالعه توصیفی-همبستگی است. گروه نمونه شامل ۱۹۸ پرستار می‌باشد که با توجه به ملاک‌های ورود و خروج از بین پرستاران داوطلب بیمارستان‌های شهر اهواز برگزیده شدند و مقیاس‌های خانواده اصلی و رضایت زناشویی و پرسش‌نامه تجارب در روابط نزدیک را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری ضریب

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشد.

نویسنده مسئول: اهواز، بلوار گلستان، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه مشاوره
پست الکترونیکی: rajabireza@scu.ac.ir

Corresponding author: Department of Counseling, Faculty of Educational and Psychological, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz.
Email: rajabireza@scu.ac.ir

the Family of Origin Scale, the Marital Satisfaction Scales, and the Experiences in Close Relationship Questionnaire. The data were analyzed using Pearson correlation coefficient and concurrent hierarchical regression analysis methods. The results of Pearson correlation showed that there were significant positive relationship between family of origin with marital satisfaction, and significant negative correlations between insecure attachment dimensions (anxious and avoidant) with marital satisfaction ($p < 0.05$). Also, hierarchical regression analysis by Baron and Kenny method and Sobel test showed that insecure attachment dimensions (anxious and avoidant) are negative mediators of the relationship of family of origin and marital satisfaction.

Keywords: Family of Origin, Attachment Dimensions, Marital Satisfaction.

همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تحلیل شدند. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری بین خانواده اصلی با رضایت زناشویی، و همبستگی منفی و معناداری بین ابعاد دلبستگی نایمن (اجتنابی و اضطرابی) با رضایت زناشویی وجود دارد ($p < 0.05$). هم‌چنین تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی با روش بارون و کنی و آزمون سوئل نشان داد که ابعاد دلبستگی نایمن (اجتنابی و اضطرابی) میانجی‌های منفی بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی هستند.

کلیدواژه‌ها: خانواده اصلی، ابعاد دلبستگی، رضایت زناشویی

مقدمه

رضایت زناشویی^۱ را می‌توان به صورت توافق بین شریک‌ها بر موضوعات مهم در رابطه، خرسندی از وضعیت کنونی رابطه و تعهد به ادامه آن، ابراز عاطفه و رابطه جنسی در ارتباط و علایق و فعالیت‌های مشترک زوج تعریف کرد (علیزاده‌فرد، محمدنیا و زیمباردو^۲، ۱۳۹۵؛ اسپنیر^۳، ۱۹۸۹). یک ازدواج دارای کیفیت خوب و رضایت زناشویی نشان می‌دهد که فرد ازدواج قدرتمندی دارد (کربی^۴، ۲۰۰۴). به نقل از یدیریر و هامارتا^۵، (۲۰۱۵). اسپریچر، ونزل و هاروی^۶ (۲۰۰۸) معتقدند رضایت زناشویی، ارزیابی هیجانی - شناختی و ذهنی است که یک فرد از رابطه زناشویی خود دارد. به هر حال، ازدواج‌هایی که از رضایت زناشویی پایینی برخوردار هستند، می‌توانند به لحاظ هیجانی و جسمی تنش‌زا و برای فرد ناسالم باشند (نیمتز^۷، ۲۰۱۱). رضایت زناشویی به طور مستقیم و غیرمستقیم با استحکام واحد خانواده و کیفیت بهتر زندگی و نارضایتی زناشویی با استرس، اضطراب و حتی انحلال رابطه زناشویی در ارتباط هستند (مختاری، احمدی و حجتی‌نیا^۸، ۱۳۹۵؛ شاکلفورد، بسر و گوتز^۹، ۲۰۰۸).

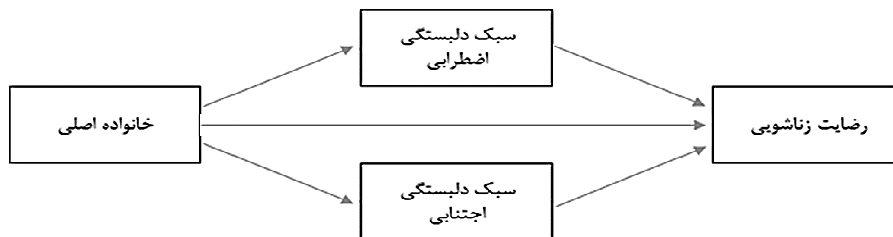
یکی از عوامل مهمی که در سال‌های اخیر به آن توجه شده است و بر رضایت زناشویی تأثیر دارد، تجارب اولیه فرد با والدین یا خانواده اصلی^{۱۰} است. توجه به روابط اولیه فرد در خانواده اصلی اهمیت زیادی دارد، زیرا درک فرد از این تجارب و شیوه انطباق با آن‌ها می‌تواند کیفیت روابط زناشویی و ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد (ویتون^{۱۱}، ۲۰۰۸). خانواده اصلی به تجارب فرد با والدین یا مراقبان او در دوران کودکی اشاره دارد که

اساس روابط میان فردی او در دوران بزرگسالی را بنیان می‌نهد (فالک، وگنر و موسمن^{۱۲}، ۲۰۰۸). کارکرد خانواده اصلی تعیین‌کننده سازگاری زناشویی فرزندان و وضعیت روانی - عاطفی آن‌ها در ازدواج‌شان است (بوتا، ون‌دنبیگ و ونتر^{۱۳}، ۲۰۰۹).

پژوهشگران نشان داده‌اند که کارکرد سالم خانواده اصلی به فرزندان کمک می‌کند تا هویت مثبتی کسب کنند، استقلال خود را افزایش دهند و احتمال بروز مشکلات رفتاری و ارتباطی را در آینده کاهش دهند (بولتز، جانسون و ولر^{۱۴}، ۲۰۰۳). استترمن و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که سلامت فردی و زناشویی والدین یا کیفیت روابط آن‌ها بر سلامت فرزندان تأثیر خواهد گذاشت. هم‌چنین، مطالعات نشان داده‌اند که قرار گرفتن در معرض تجارب منفی در خانواده اصلی با افزایش خطر مشکلات ارتباطی و زناشویی در فرزندان هنگامی که بزرگ می‌شوند و تشکیل خانواده می‌دهند همراه است (هالفورد، سندرز و برنز^{۱۶}، ۲۰۰۱). فرحبخش^{۱۷} (۱۳۹۰) نشان داد که بین میزان ادراک زوجین از خانواده اصلی و میزان وجود تعارض زناشویی در زندگی فعلی آن‌ها همبستگی وجود دارد. هم‌چنین، مورارو و ترلیوک^{۱۸} (۲۰۱۲) نشان دادند که تجارب خانواده اصلی و الگوی دلبستگی نیز رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌نمایند. به علاوه، سطح بالای رضایت زناشویی و دلبستگی همسری به عنوان شاخص‌های مهمی از روابط بلندمدت در نظر گرفته می‌شوند (دی‌موس^{۱۹}، ۲۰۰۴) و متغیرهای مهمی هستند که علاوه بر رضایت زناشویی بر بهزیستی عمومی فرد هم تأثیر می‌گذارند (یدیریر و هامارتا، ۲۰۱۵). بنابراین، ابعاد دلبستگی^{۲۰} زوج‌ها عامل دیگری است که با تأثیرپذیری از تجارب خانواده اصلی می‌تواند رضایت‌مندی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد (بیرامی، فهیمی، اکبری و امیری پيچا کلایی^{۲۱}، ۱۳۹۱؛ تیموری آسفیچی، غلامعلی لواسانی و بخشایش^{۲۲}، ۱۳۹۱). سبک دلبستگی به طوره‌های زیستی و رفتاری اشاره دارد که چگونگی روابط نزدیک با دیگران را تعیین می‌کنند (کارانتزاس، فینی و ویلکینسون^{۲۳}، ۲۰۱۰). مورارو و ترلیوک (۲۰۱۲) نشان دادند که دلبستگی نقش مهمی در تنظیم روانی و اجتماعی افراد دارد. دلبستگی به طور کلی، یعنی، مأمنی از آسایش، امنیتی برای کاوش و جست‌وجو کردن و منبعی برای اطمینان‌بخشی به فرد، زمانی که دچار پریشانی می‌شود (اصلانی، صیادی و امان‌الهی^{۲۴}، ۱۳۹۱). بالبی^{۲۵} (به نقل از جانسون^{۲۶}، ۲۰۱۲) معتقد است که رفتار انسان را تنها از طریق بررسی محیط انطباقی آن، یعنی، محیط بنیادی که این رفتار در آن محیط تکامل یافته است، می‌توانیم درک کنیم. در واقع، کودکان طی مراحل دلبستگی، پیوند عاطفی باثباتی با مراقبت‌کننده برقرار می‌کنند که در غیاب والدین می‌توانند از آن به عنوان یک پایگاه امن استفاده کنند. این تصویر ذهنی، الگو یا راهنمایی برای روابط صمیمی در آینده می‌شود و در ایجاد نوع رابطه رمانتیک دوره بزرگسالی تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، بعد دلبستگی یک تغییر کلی است که رضایت‌مندی را در روابط رمانتیک پیش‌بینی می‌کند (دیباچی فروشانی، امامی‌پور و محمودی^{۲۷}، ۱۳۸۸). محققان نیز بیان کرده‌اند که دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی بیشتر و دلبستگی نایمن با رضایت زناشویی کمتر رابطه دارد (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱؛ کرسی و هسون مک‌اینوس^{۲۸}، ۲۰۰۱).

به طور خلاصه، نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که بین سطح سلامت خانواده اصلی با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (غرغی، آیشاحسن و بابا^{۲۹}، ۲۰۱۲؛ مورارو و ترلیوک، ۲۰۱۲). این پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که رفتارهای والدین و به طور کلی عملکرد خانواده اصلی به احتمال زیاد پیش-

بینی‌کننده کیفیت ازدواج فرزندان است. هم‌چنین، در ارتباط با سبک دلبستگی به عنوان سازه‌ای که در خانواده اصلی شکل می‌گیرد و می‌تواند بر رضایت زناشویی تأثیر بگذارد نیز نشان داده شد که سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی، رابطه مثبت و سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی، اضطرابی/دوسوگرا) با رضایت زناشویی رابطه منفی دارند (محمدی، سماوی و غزوی^{۳۰}، ۲۰۱۶). هم‌چنین، با توجه به کمبود مطالعه جامعی که بتواند این سازه‌ها را در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار دهد، در این پژوهش به دنبال بررسی دو مدل ساده و جداگانه ابعاد دلبستگی اضطرابی و اجتنابی به عنوان میانجی‌های بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی در پرستاران زن متأهل بوده‌ایم (شکل ۱).



شکل ۱: مدل فرضی رابطه بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری ابعاد دلبستگی ناایمن

روش

این پژوهش همبستگی از نوع تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی هم‌زمان به روش بارون و کنی است. در روش سلسله مراتبی ترتیب ورود متغیرها به تحلیل بر اساس یک چارچوب نظری یا تجربی مورد نظر محقق صورت می‌گیرد (بارون و کنی^{۳۱}، ۱۹۸۶). جامعه این پژوهش شامل کلیه پرستاران زن متأهل (بالغ بر ۱۰۰۰ نفر) بیمارستان‌های منتخب شهر اهواز بود. از میان بیمارستان‌های گلستان، رازی، امام خمینی، سینا، طالقانی، شفا، ابوزر، آریا، اروند، نفت، مهر و آپادانا وابسته به دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور شهر اهواز جمعاً ۱۹۸ پرستار زن متأهل از بخش‌های مختلف و از هر بیمارستان ۱۷ پرستار که مایل به شرکت در مطالعه بودند به روش هدفمند - داوطلب به ازای هر متغیر (۴ متغیر) ۵۰ پرستار انتخاب شدند (کرلینجر و پدهازر^{۳۲}، ترجمه سرایی، ۱۳۶۶). جمع‌آوری داده‌ها از اسفندماه ۱۳۹۴ تا پایان خردادماه ۱۳۹۵ انجام شد. معیارهای ورود به مطالعه شامل داشتن حداقل ۱ تا ۱۵ سال سابقه کار در شهر اهواز، داشتن حداقل یک فرزند، نداشتن سابقه بیماری‌های عاطفی و خلقی و نداشتن مشکلات خانوادگی و زناشویی بود. پس از ارائه توضیحات لازم، پرستارانی که مایل به همکاری بودند وارد مطالعه شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها مجوز معاونت پژوهشی دانشکده و دفتر ارتباط با صنعت دانشگاه شهید چمران اهواز گرفته شد. قبل از ارائه پرسش‌نامه‌ها به پرستاران منتخب در مورد هدف پژوهش و کاربرد آن در جامعه پرستاران، اطلاعات لازم به صورت فردی ارائه گردید. هم‌چنین به آن‌ها گوشزد شد که آزادانه و با اختیار و رضایت کامل می‌توانند در این پژوهش شرکت کنند. در مورد شیوه پاسخ‌دهی به هر یک از ابزارها نیز اطلاعاتی به پرستاران ارائه شده و به آن‌ها اطلاع داده شد که اطلاعات شخصی و پرسش‌نامه‌ای آن‌ها محرمانه خواهند بود و داده‌ها به صورت جمعی تحلیل خواهند شد. برای رعایت موازین اخلاقی، پس از اخذ رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان، پرسش‌نامه‌ها بدون نام و نام

خانوادگی تکمیل شدند تا محرمانه بودن اطلاعات تأمین گردد. ارزیابی و تکمیل پرسش‌نامه‌ها انجام شد تا از تکمیل پرسش‌نامه‌ها و درستی و صحت آن‌ها اطمینان حاصل شود. تعداد شش نفر (۲/۹۴ درصد) از پرستاران در این مطالعه انصراف دادند و نسبت بازگشت پرسش‌نامه‌ها ۹۷/۶ درصد بود.

ابزارهای اندازه‌گیری

مقیاس خانواده اصلی^{۳۳} (FOS). مقیاس خانواده اصلی توسط هاوشتادت، اندرسون، پیرسی، کاکران و فاین^{۳۴} در سال ۱۹۸۵ تهیه گردید و شامل ۴۰ ماده است. در این مطالعه، از مقیاس ۳۶ ماده‌ای و دارای ۶ خرده‌مقیاس (۱) جو هیجانی خانواده، مسئولیت‌پذیری و خلق و لحن صدا (ماده‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۸)، (۲) احترام و باز بودن به اعضای خانواده (ماده‌های ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸)، (۳) اعتماد (ماده‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۱)، (۴) جدایی و فقدان (ماده‌های ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۲۵)، (۵) وضوح بیان و ابرازگری (ماده‌های ۲۶، ۲۷ و ۲۸) و (۶) دامنه احساس‌ها (ماده‌های ۲۹، ۳۰ و ۳۱) استفاده شد (هاوشتادت و همکاران، ۱۹۸۵). هر ماده این ابزار در یک طیف لیکرت ۵ رتبه‌ای بر اساس سطح توافق شرکت‌کننده‌ها با هر جمله (۱ = کاملاً مخالفم، ۲ = مخالفم، ۳ = نظری ندارم، ۴ = موافقم و ۵ = کاملاً موافقم) مرتب شده است که حداقل نمره ۳۶ و حداکثر آن ۱۸۰ می‌باشد. همه ماده‌های این مقیاس براساس زمان گذشته و تجربه پاسخ‌دهنده‌ها در خانواده‌شان تهیه شده است. هاوشتادت و همکاران (۱۹۸۵) ضرایب پایایی باز - آزمون FOS را در نمونه‌ای از بزرگسالان برای کل مقیاس ۰/۹۷ و همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۷۵؛ ریان، کاوش، فاین و پاول^{۳۵} (۱۹۹۴) این ضریب را ۰/۹۶ و حسینی، نظری، رسولی، شاکرمی و حسینی^{۳۶} (۱۳۹۳) ۰/۸۶ گزارش کردند. ضرایب روایی واگرایی این مقیاس نشان می‌دهد که میانگین نمره‌های FOS در گروه بالینی کمتر از گروه غیر بالینی است (کیس، سیرایت، راسو، تمپل و راجرز^{۳۷}، ۱۹۹۳؛ نیدرمایر، سیرایت، هندال، مانلی و براون^{۳۸}، ۱۹۹۵). همچنین، گیوین و ومبولت^{۳۹} (۱۹۹۲) نشان دادند که بین مقیاس FOS و مقیاس محیط خانوادگی^{۴۰} (موس و موس^{۴۱}، ۱۹۸۶) رابطه معناداری وجود دارد.

مقیاس رضایت زناشویی^{۳۲} مقیاس فرم کوتاه رضایت زناشویی (محرابیان^{۴۳}، به نقل از رجبی^{۴۴}، ۱۳۸۸) برای ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا و شناسایی زمینه‌های قوت و پربراری رضایت زناشویی ساخته شده و دارای ۱۳ ماده است. شیوه نمره‌گذاری آن به صورت لیکرت در یک طیف ۵ گزینه‌ای (۱ = کاملاً مخالفم، ۲ = مخالفم، ۳ = نظری ندارم، ۴ = موافقم و ۵ = کاملاً موافقم) مرتب شده است که حداقل و حداکثر نمره‌های این مقیاس به ترتیب بین ۱۳ تا ۶۵ می‌باشد. ضمناً، ماده‌های ۳، ۴، ۶، ۸ و ۱۱ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. رجبی (۱۳۸۸) با استفاده از تحلیل عاملی به روش چرخش مایل بر روی این مقیاس به دو عامل رضایت از ازدواج و نارضایتی از ازدواج دست یافت. محرابیان (به نقل از رجبی، ۱۳۸۸) در یک تحلیل عامل بر روی مقیاس فرم بلند رضایت زناشویی یک عامل با مقادیر بالاتر از ۱۲/۴ را به دست آورد. او بازآزمایی آن را بعد از شش هفته ۰/۸۳ و همسانی درونی را ۰/۹۴ گزارش کرد. رجبی (۱۳۸۸) روایی هم‌زمان مقیاس ۱۳ ماده‌ای رضایت زناشویی را با پرسش‌نامه ۴۷ ماده‌ای اینریچ^{۴۵} بر روی کارمندان دانشگاه چمران اهواز ۰/۸۳ ($p < 0/001$)، برای مردان ۰/۸۴ و برای زنان ۰/۸۱ ($p < 0/001$)؛ آلفای کرونباخ کل نمونه را ۰/۹۰

، زنان ۰/۹۱ و مردان ۰/۸۹ به دست آورد. روایی این مقیاس با پرسش‌نامه ۷ سؤالی رضایت از رابطه کورکوران و فیشر^{۴۶} (۲۰۰۰) ۰/۸۹ می‌باشد.

پرسش‌نامه تجارب در روابط نزدیک^{۴۷} (ECR-R). پرسش‌نامه سنجش تجارب روابط نزدیک (ECR) در سال ۱۹۹۸ توسط برنان، کلارک و شیور^{۴۸} به منظور سنجش ابعاد دل‌بستگی بزرگسالان بر اساس مدل چهار مقوله‌ای بارتالومئو تدوین شده است (صیدی، فلاح تفتی، صادقی و رضایی^{۴۹}، ۱۳۹۲). در سال ۲۰۰۰ توسط فرالی، والر و برنان^{۵۰} مورد بازنگری قرار گرفته و در حال حاضر جدیدترین مقیاس برای اندازه‌گیری بعد دل‌بستگی بزرگسالان است.

این پرسش‌نامه ۳۶ ماده‌ای دارای ۲ بخش است که تفاوت‌های فردی را در مورد اضطراب مربوط به دل‌بستگی، یعنی، درجه‌ای که افراد در مورد در دسترس‌پذیری و پاسخ‌گویی شریکشان ایمن یا نایمن هستند و اجتناب مربوط به دل‌بستگی، یعنی، میزان ناراحتی فرد از نزدیک شدن به دیگران می‌سنجد. ماده‌های این مقیاس بر اساس یک طیف لیکرتی ۷ رتبه‌ای (۱ = کاملاً مخالف، ۲ = مخالف، ۳ = تا حدی مخالف، ۴ = نظری ندارم، ۵ تا حدی موافق، ۶ = موافق و ۷ = کاملاً موافق) مرتب شده است که ماده‌های ۱ تا ۱۸ به خرده‌مقیاس اضطرابی و ۱۹ تا ۳۶ به خرده‌مقیاس اجتنابی مربوط می‌باشند. برنان و همکاران (۱۹۹۸) ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس ابعاد دل‌بستگی اضطرابی ۰/۹۱ و اجتنابی ۰/۹۴؛ مطالعات دیگر (لوپز و گومرلی^{۵۱}، ۲۰۰۲؛ لوپز، مورسیسو، گومرلی، سیمکو و برگر^{۵۲}، ۲۰۰۱؛ لوپز، میچل، و گومرلی^{۵۳}، ۲۰۰۲؛ ووگل و وی^{۵۴}، ۲۰۰۵؛ وی، مالینکرات، راسل و آبراهام^{۵۵}، ۲۰۰۴) برای خرده‌مقیاس‌های اضطرابی از ۰/۸۹ تا ۰/۹۲ و اجتنابی از ۰/۹۱ تا ۰/۹۵؛ برنان و همکاران (۱۹۹۸) ضرایب پایایی باز - آزمون این ابزار (به فاصله سه هفته) برای دو خرده‌مقیاس ابعاد اضطرابی و اجتنابی ۰/۷۰؛ لوپز و گومرلی (۲۰۰۲) این ضرایب را در یک دوره ۶ ماهه به ترتیب ۰/۶۸ و ۰/۷۱؛ پناغی، ملکی، ذبیح‌زاده، پشت مشهدی و سلطانی‌نژاد^{۵۶} (۱۳۹۲) ضرایب پایایی باز - آزمون (به فاصله دو هفته) برای نمره کل و دو بعد اجتناب و اضطراب را به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۱ و ۰/۸۹ رضایت‌بخش و ضرایب روایی هم‌گرا بعد دل‌بستگی اضطرابی با استفاده از خرده‌مقیاس افسردگی و اضطراب از مقیاس DASS-۲۱ و روایی واگرا آن با استفاده از مقیاس عزت نفس روزنبرگ^{۵۷} و روایی واگرا بعد اجتنابی را با خرده‌مقیاس برون‌گرایی معنی‌دار گزارش کردند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این مطالعه برای تحلیل داده‌ها ابتدا از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار و برای بررسی دو مدل جداگانه از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی هم‌زمان به روش بارون و کنی، براساس چهار مفروضه: ۱- همبستگی بین متغیر مستقل و میانجی، ۲- همبستگی بین متغیر میانجی و وابسته، ۳- همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته و ۴- رگرسیون هم‌زمان متغیرهای مستقل و میانجی بر روی متغیر وابسته (بارون و کنی، ۱۹۸۶) و آزمون سوپل^{۵۸} استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیتی گروه نمونه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
سن	۳۳/۲۱	۵/۴۶	۲۲	۴۲
مدت ازدواج	۷/۹۷	۴/۷۰	۱	۱۵
متغیر		فراوانی	درصد فراوانی	
جنس	زن	۱۸۶	۹۳/۹٪	
	مرد	۱۲	۶/۱٪	
	جمع	۱۹۸	۱۰۰٪	
تعداد فرزندان	۱ فرزند	۱۲۴	۶۲/۶٪	
	۲ فرزند	۵۴	۲۷/۳٪	
	۳ فرزند	۱۷	۸/۶٪	
	۴ فرزند	۳	۱/۵٪	
	جمع	۱۹۸	۱۰۰	

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار سن پرستاران به ترتیب ۳۳/۲۱ و ۵/۴۶ (با حداقل و حداکثر ۲۲ و ۴۲ سال)؛ مدت ازدواج ۷/۹۷ و ۴/۷۰ (با حداقل و حداکثر ۱ و ۱۵ سال)؛ ۱۸۶ نفر (۹۳/۹ درصد) از شرکت‌کننده‌ها زن و ۱۲ نفر (۶/۱ درصد) مرد؛ ۱۲۴ نفر (۶۲/۶ درصد) از پرستاران دارای ۱ فرزند، ۵۴ نفر (۲۷/۳ درصد) دارای ۲ فرزند، ۱۷ نفر (۸/۶ درصد) دارای ۳ فرزند و ۳ نفر (۱/۵ درصد) دارای ۴ فرزند بودند. لازم به ذکر است که تعداد ۲ نفر به دلیل ناقص پر کردن پرسش‌نامه‌ها از تحلیل حذف شدند که تعداد شرکت‌کننده‌ها به ۱۹۸ نفر تقلیل یافت.

جدول ۲: میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی متغیرهای مورد مطالعه (n=۱۹۸)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	دلبستگی اضطرابی	دلبستگی اجتنابی	رضایت زناشویی
خانواده اصلی	۱۱۳/۰۶	۲۰/۷۸	-۰/۲۱*	-۰/۴۹*	۰/۳۸*
بعد اضطرابی	۶۴/۶۷	۲۱/۳۹	-	۰/۳۱*	-۰/۳۳*
بعد اجتنابی	۴۶/۲۷	۱۶/۳۲	-	-	-۰/۴۰*
رضایت زناشویی	۵۱/۳۱	۸/۲۴	-	-	-

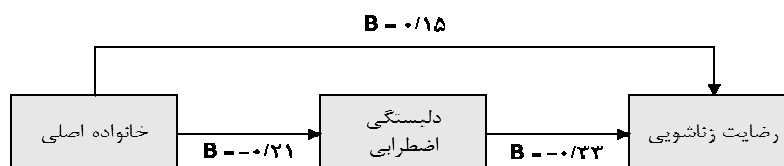
*p<۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌کنید، میانگین‌ها و انحراف معیارهای متغیرهای خانواده اصلی ۱۱۳/۰۶ و ۲۰/۷۸، دلبستگی‌های اضطرابی ۶۴/۶۷ و ۲۱/۳۹، اجتنابی ۴۶/۲۷ و ۱۶/۳۲ و رضایت زناشویی ۳۱/۵۱ و ۸/۲۴ می‌باشد و بین متغیرهای خانواده اصلی با رضایت زناشویی ($r = 0/38$ ، $P < 0/001$)، خانواده اصلی با بعد دلبستگی اضطرابی ($r = -0/21$ ، $P < 0/002$)، خانواده اصلی با بعد دلبستگی اجتنابی ($r = -0/49$)، بعد دلبستگی اضطرابی با رضایت زناشویی ($r = -0/33$ ، $P < 0/001$) و بعد دلبستگی اجتنابی با رضایت زناشویی ($r = -0/40$ ، $P < 0/001$) رابطه معناداری وجود دارد (تعدادی از ضرایب مثبت و تعدادی از آن‌ها منفی هستند).

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی هم‌زمان خانواده اصلی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری دلبستگی اضطرابی به روش بارون و کنی

شاخص‌ها	B	B	R ^۲	F	t P
عرض از مبدأ	-	۳۴/۰۶	۰/۱۴	۳۴/۰۵	۱۱/۳۳ P<۰/۰۰۱
گام ۱: خانواده اصلی	۰/۳۸	۰/۱۵			۵/۸۳ P<۰/۰۰۱
عرض از مبدأ	-	۴۲/۲۴	۰/۲۱	۲۶/۷۸	۱۱/۸۱ P<۰/۰۰۱
گام ۲: خانواده اصلی	۰/۳۲	۰/۱۳			۵/۰۴ P<۰/۰۰۱
دلبستگی اضطرابی	- ۰/۲۶	- ۰/۱۰			- ۴/۰۹ P<۰/۰۰۱

چنان‌چه در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بین متغیرهای خانواده اصلی با بعد دلبستگی اضطرابی ۰/۲۱- و بعد دلبستگی اضطرابی با رضایت زناشویی ۰/۳۳- (شرط اول و دوم پیشنهادی بارون و کنی) به ترتیب همبستگی منفی معنادار وجود دارد. هم‌چنین در جدول ۳ نقش میانجی‌گری متغیر دلبستگی اضطرابی برای خانواده اصلی و رضایت زناشویی به روش رگرسیون سلسله مراتبی هم‌زمان، در مرحله اول مقدار بتای (β) رضایت زناشویی بر روی خانواده اصلی بررسی گردید که ضریب به دست آمده به صورت مثبت و معنادار است ($\beta=۰/۳۸$ ، $p<۰/۰۰۱$). این یافته نشان می‌دهد که خانواده اصلی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار رضایت زناشویی است و ۱۴ درصد واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند ($t=۵/۸۳$ ، $p<۰/۰۰۱$). نتایج مرحله اول تأیید می‌کند که بین متغیر وابسته و مستقل رابطه معنادار مثبت وجود دارد (شرط سوم پیشنهادی بارون و کنی). برای کنترل نقش خانواده اصلی و تعیین میانجی دلبستگی اضطرابی، رگرسیون سلسله مراتبی هم‌زمان رضایت زناشویی روی خانواده اصلی و دلبستگی اضطرابی محاسبه گردید. در این مرحله توان پیش‌بینی متغیر خانواده اصلی نسبت به مرحله‌ای که به تنهایی وارد معادله رگرسیون شد تا حدودی کاهش یافت، اما هنوز مقدار معنادار است (از $\beta=۰/۳۸$ در مرحله اول به $\beta=۰/۳۲$ در دومین مرحله، شرط چهارم پیشنهادی بارون و کنی) که بر اساس پیشنهاد بارون و کنی اگر با ورود متغیر میانجی به معادله رگرسیون، ضریب متغیر مستقل به سمت صفر یا کاهش میل کند، میانجی‌گری یا واسطه‌گری مورد تأیید قرار می‌گیرد (شکل ۲). آزمون سوپل نیز نشان داد که اثر میانجی دلبستگی اضطرابی مابین خانواده اصلی و رضایت زناشویی معنی‌دار است.

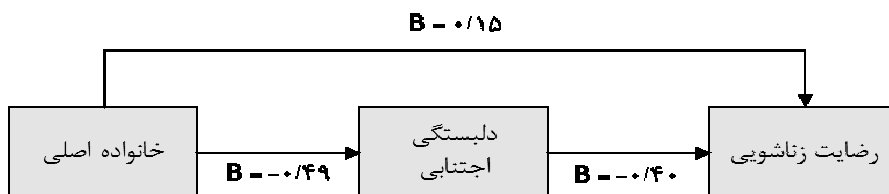


شکل ۲: مدل دلبستگی اضطرابی به عنوان میانجی بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی هم‌زمان خانواده اصلی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری دلبستگی اجتنابی به روش بارون و کنی

شاخص‌ها	B	B	R ^۲	F	t P
عرض از مبدأ	-	۳۴/۰۶			۱۱/۳۳ P<۰/۰۰۱
گام ۱: خانواده اصلی	۰/۳۸	۰/۱۵	۰/۱۴	۳۴/۰۵	۵/۸۳ P<۰/۰۰۱
عرض از مبدأ	-	۴۷/۰۲			۱۰/۶۵ P<۰/۰۰۱
گام ۲: خانواده اصلی	۰/۲۴	۰/۰۹	۰/۲۱	۲۵/۸۵	۲/۳۴ P<۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی	- ۰/۲۸	- ۰/۱۴			- ۳/۸۹ P<۰/۰۰۱

چنانچه در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بین متغیرهای خانواده اصلی با بعد دلبستگی اجتنابی ۰/۴۹- و بعد دلبستگی اجتنابی با رضایت زناشویی ۰/۴۰- (شرط اول و دوم پیشنهادی بارون و کنی) به ترتیب همبستگی منفی معنادار وجود دارد. همچنین در جدول ۴ نقش میانجی‌گری متغیر دلبستگی اجتنابی برای خانواده اصلی و رضایت زناشویی به روش رگرسیون سلسله مراتبی هم‌زمان، در مرحله اول مقدار بتای (β) رضایت زناشویی بر روی خانواده اصلی بررسی گردید که ضریب به دست آمده به صورت مثبت و معنادار است ($\beta = ۰/۳۸, p < ۰/۰۰۱$). این یافته نشان می‌دهد که خانواده اصلی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار رضایت زناشویی است و ۱۴ درصد واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند ($t = ۵/۸۳, p < ۰/۰۰۱$). نتایج مرحله اول تأیید می‌کند که بین متغیر وابسته و مستقل رابطه معنادار و مثبت وجود دارد (شرط سوم پیشنهادی بارون و کنی). برای کنترل نقش خانواده اصلی و تعیین میانجی دلبستگی اجتنابی، رگرسیون سلسله مراتبی هم‌زمان رضایت زناشویی روی خانواده اصلی و دلبستگی اجتنابی محاسبه گردید. در این مرحله توان پیش‌بینی متغیر خانواده اصلی نسبت به مرحله‌ای که به تنهایی وارد معادله رگرسیون شد تا حدودی کاهش یافت، اما هنوز مقدار معنادار است (از $\beta = ۰/۳۸$ در مرحله اول به $\beta = ۰/۲۴$ در دومین مرحله، شرط چهارم پیشنهادی بارون و کنی) که بر اساس پیشنهاد بارون و کنی اگر با ورود متغیر میانجی به معادله رگرسیون، ضریب متغیر مستقل به سمت صفر یا کاهش میل کند، میانجی‌گری مورد تأیید قرار می‌گیرد (شکل ۳). آزمون سوبل نیز نشان داد که اثر میانجی دلبستگی اجتنابی مابین خانواده اصلی و رضایت زناشویی معنی‌دار است.



شکل ۳. مدل دلبستگی اجتنابی به عنوان میانجی بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی

بحث و نتیجه‌گیری

چنان‌که پیشتر عنوان شد، به علت اهمیت رضایت زناشویی در زندگی فردی و اجتماعی در یک جامعه و تعیین میزان تأثیر عوامل مؤثر در آن، هدف اصلی این پژوهش ارزیابی مدل خانواده اصلی با رضایت زناشویی با میانجی‌گری ابعاد دلبستگی ناایمن (اضطرابی و اجتنابی) بود. چارچوب مفهومی این پژوهش به این شکل بود که این خود خانواده اصلی نیست که بر زندگی و روابط نزدیک افراد تأثیر می‌گذارد، بلکه سازه‌های ذهنی آن‌ها درباره واقعیت خانواده اصلی‌شان است. یافته‌ها حاکی از معناداری متغیرهای خانواده اصلی و ابعاد دلبستگی ناایمن در پیش‌بینی رضایت زناشویی بود. به این ترتیب که سطح سلامت ادراک شده خانواده اصلی یک پیش‌بین قدرتمند و مثبت رضایت زناشویی است که با نتایج پژوهش‌های براون، لارسون، هارپر و هولمن^{۵۹} (۲۰۱۵)، دنیسون، کورنر و سگرین^{۶۰} (۲۰۱۴)، مورارو و ترلیوک (۲۰۱۲)، جانگ، چونگ و لی^{۶۱} (۲۰۱۱) و حسینیان، یزدی و جاسبی^{۶۲} (۱۳۸۶) که نشان دادند خانواده اصلی با رضایت زناشویی رابطه معنادار دارد و از طریق تجارب خانواده اصلی می‌توان رضایت زناشویی آینده فرزندان را پیش‌بینی کرد، همسو است. وقتی در دوران کودکی، فرد در خانواده‌ای رشد یابد که در آن نقش‌ها به روشنی تعریف شده هستند، هیجان‌ها و احساس‌ها به خوبی ابراز می‌شوند، از سبک‌های حل مسئله مناسبی استفاده می‌شود، به استقلال و خودمختاری افراد احترام گذاشته می‌شود و حتی این مهارت‌ها را گسترش و پرورش می‌دهند، به احتمال زیادتری کودکان نیز در بزرگسالی همین الگوهای رفتاری را ادامه خواهند داد (براون و همکاران، ۲۰۱۵). چنین کودکانی در بزرگسالی و در روابط زناشویی خود ادراک مناسبی از نقش‌ها و وظایف خود دارند و به دلیل بالندگی و پختگی که ریشه در تجارب موفق کودکی در خانواده اصلی دارد، دارای رضایت زناشویی بیشتری هستند. پژوهش‌های فوق‌الذکر با تأکید بر فرضیه انتقال بین نسلی اشاره می‌کنند که رفتارهای والدین در دوران کودکی می‌توانند با انتقال ویژگی‌های روابط حاکم در خانواده اصلی به خانواده بعدی فرد، بر رضایت زناشویی فرزندان تأثیر مستقیم بگذارند. در نتیجه، هرچه سطح سلامت ادراک شده خانواده اصلی فرد بالاتر باشد، می‌توان انتظار موفقیت و رضایت زناشویی بالاتری را در آینده برای فرزندان داشت.

نتایج پژوهش حاضر نشان دادند که به ترتیب ابعاد دلبستگی اجتنابی و اضطرابی به طور منفی پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت زناشویی همسران هستند که با نتایج پژوهش‌های کامل عباسی، طباطبایی، آقامحمدیان و کارشکی^{۶۳} (زیر چاپ) که دریافتند ابعاد دلبستگی ناایمن نیرومندترین پیش‌بین منفی رضایت زناشویی هستند و نشان‌دهنده اهمیت روابط شکل گرفته در کودکی در روابط بزرگسالی است؛ بیرانوند، عزیزی و دهقان منشدی^{۶۴} (۱۳۹۵)، غزلسفلو، جزایری، بهرامی و محمدی فشارکی^{۶۵} (۲۰۱۶)، رئیسی‌پور^{۶۶} (۲۰۱۳) که نشان دادند افراد دلبسته ناایمن در روابط زناشویی خود احساس راحتی ندارند و برای حفظ حس استقلال خود سعی در حفظ فاصله دارند و در نتیجه تعارض‌های مداوم، احساس رضایت زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند؛ اگسی و گنکوز^{۶۷} (۲۰۱۳) که دریافتند بعد دلبستگی اجتنابی دارای اثرات منفی بر رضایت زناشویی است و می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رضایت کم در افراد اجتنابی باشد، همسو است. به عبارت دیگر، افراد دارای دلبستگی اجتنابی به علت احساس ناراحتی از نزدیک بودن به دیگران و ایجاد روابط عاطفی همواره به دنبال ایجاد نوعی منطقه امن برای خود هستند. این منطقه امن که توسط شریک‌های این افراد به عنوان فاصله‌گیری و عدم صمیمیت تفسیر می‌شود، موجب کاهش رضایت زناشویی در زوج به عنوان یک

واحد می‌شود. افراد دلبسته اضطرابی نیز به علت نزدیکی زیادی که احساس می‌کنند باید با شریک خود داشته باشند تا مبادا از طرف همسر خود طرد و به حال خود رها نشوند، به طور دائم به دنبال نزدیک‌تر شدن به طرف مقابل خود هستند که این تحرکات گاهی باعث محدود کردن آزادی‌های شریک و زنجیر کردن روان‌شناختی او می‌شود. در نتیجه، احتمالاً همسر یک فرد اضطرابی این احساس را خواهد داشت که به طور مداوم مورد نیاز است و باید نزد همسر اضطرابی خود حضور داشته باشد و بنابراین فضای خصوصی و خلوتی را که هر فردی برای خود نیاز دارد را از دست می‌دهد. کلیه این فشارها در نهایت می‌تواند موجب کاهش رضایت زناشویی زوج از هر دو طرف، یکی به خاطر احساس دوری از شریک و دیگری به خاطر احساس تحت فشار و زیر ذره‌بین بودن، شود. از این رو، هرچه میزان دلبستگی اجتنابی و یا اضطرابی فرد بیشتر باشد، دارای تأثیر منفی بیشتر بر رابطه و پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی کمتر است که با پژوهش‌های متدین، آسایش و افتخاری^{۶۸} (۱۳۹۰) که دریافتند رضایت زناشویی با سبک دلبستگی اضطرابی رابطه منفی دارد و باید نقش سبک‌های دلبستگی را در رضایت زناشویی مورد تأکید بیشتری قرار داد؛ موارو و ترلیوک (۲۰۱۲) که در بررسی مدل علی خود به رابطه منفی بین دلبستگی اضطرابی و رضایت زناشویی دست یافتند؛ زرندی، رضانی و جواهری کامل^{۶۹} (۱۳۸۹) که نشان دادند زوج‌های اضطرابی/دوسوگرا از رضایت زناشویی پایینی برخوردار هستند و بررسی بعد دلبستگی هر دو همسر در رضایت زناشویی دارای اهمیت است و دیباجی فروشانی و همکاران (۱۳۸۸) که نشان دادند افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی دارای روابط متزلزل و بی‌ثبات‌تری نسبت به زوج‌های دلبسته ایمن هستند، همسو است.

به علاوه، مدل‌های ۱ و ۲ نشان دادند که ابعاد دلبستگی اضطرابی و اجتنابی، میانجی‌های منفی بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی هستند. نتایج این پژوهش با نتایج موارو و ترلیوک (۲۰۱۲) که ابعاد دلبستگی نایمن را به عنوان میانجی بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که خانواده اصلی از طریق بعد دلبستگی اضطرابی باعث کاهش رضایت زناشویی فرزندان در آینده می‌شود و مارکمن، رودز، استنلی، ریگان و ویتون^{۷۰} (۲۰۱۰) نیز که بر تأثیر منفی بعد دلبستگی اضطرابی در رابطه بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی تأکید کردند و آن را دارای تأثیر تعیین‌کننده دانستند، همسو است. همان‌طور که در بالا بیان شد این افراد به علت نگرانی و دلواپسی که در مورد شریک‌شان دارند که مبادا از سوی آن‌ها طرد شوند، به طور دائم به دنبال نزدیک‌تر شدن به طرف مقابل خود هستند که این گاهی باعث محدود کردن آزادی‌های شریک و زنجیر کردن روان‌شناختی او می‌شود. در نتیجه، احتمالاً همسر یک فرد اضطرابی این احساس را خواهد داشت که به طور مداوم مورد نیاز است و باید نزد همسر اضطرابی خود حضور داشته باشد و بنابراین فضای خصوصی و خلوتی را که هر فردی برای خود نیاز دارد را از دست می‌دهد. در نتیجه ممکن است به کاهش رضایت زناشویی هر دو زوج منجر گردد. یکی برای دور شدن از همسر و دیگری برای محدود شدن آزادی‌ها. از سوی دیگر، افراد دارای دلبستگی اجتنابی به علت احساس ناراحتی از نزدیک بودن به دیگران و ایجاد روابط عاطفی همواره به دنبال ایجاد نوعی منطقه امن برای خود هستند. این منطقه امن که توسط شریک‌های این افراد به عنوان فاصله‌گیری و عدم صمیمیت تفسیر می‌شود، موجب کاهش رضایت زناشویی می‌گردد.

روی هم رفته، یافته‌های این پژوهش می‌توانند به مشاوران قبل از ازدواج یاری دهند تا هنگام بررسی مسائل و مشکلات و تضادهای میان زوج‌های مراجعه‌کننده، به این ساختارهای شخصیتی توجه کنند. به طور کلی، با تعیین سطح سلامت خانواده اصلی و عوامل تشکیل‌دهنده آن و هم‌چنین بعد دل‌بستگی افراد می‌توان میزان سازگاری و رضایت زناشویی نسبی آن‌ها در آینده را پیش‌بینی کرد و در صورت نیاز، آموزش‌های لازم را بر حسب این موارد به زوج‌ها ارائه داد تا رضایت و سازگاری بیشتری در زندگی به دست آید. اگر پژوهشگران بخواهند الگوهای دل‌بستگی نایمن در افراد را به منظور افزایش رضایت زناشویی در آن‌ها اصلاح و به شکل ایمن تبدیل کنند، انجام چنین پژوهش‌هایی لازم به نظر می‌رسد. محدودیت اصلی این پژوهش این بود که فقط بعد دل‌بستگی یکی از همسران مورد بررسی قرار گرفت و به بعد دل‌بستگی هر دو همسر اشاره‌ای نشد. دیگر محدودیت این است که باید یافته‌ها را با احتیاط به جمعیت‌های دیگر تعمیم داد. ذکر این نکته لازم است که رضایت زناشویی یک سازه رابطه‌ای است، این امر می‌تواند بر نتیجه پژوهش تأثیر بگذارد.

پی‌نوشت‌ها

1. Marital satisfaction
2. Alizadehfard, Mohamadnia & Zimbardo
3. Spanier
4. Kirby
5. Yedirir & Hamarta
6. Sprecher, Wenzel & Harvey
7. Nimt
8. Mokhtari, Ahmadi & Hojatinia
9. Shackelford, Besser & Goetz
10. family of origin
11. Whitton
12. Falcke, Wagner & Mosmann
13. Botha, Van Den Berg & Venter
14. Buboltz, Johnson & Woller
15. Stutzman, Bean, Miller, Randall, Feinaur, Porter & Moore
16. HalFord, Sanders & Behrens
17. Farahbakhsh
18. Muraro & Turluc
19. DeMoss
20. attachment styles
21. Beyrami, Fahimi, Akbari & Amiri Pichakalayi
22. Teimoori Asfichi, Qolamali Lavasani & Bakhshayesh
23. Karantzas, Feeney & Wilkinson
24. Aslani, Sayadi & Amanolahi
25. Bowlby
38. Niedermeier, Searight, Handal, Manley & Brown
39. Gavin & Wamboldt
40. Family Environment Scale
41. Moos & Moos
42. Marital Satisfaction Scale
43. Mehrabian
44. Rajabi
45. Enrich
46. Corcoran & Fisher
47. Experiences in Close Relationship Scale-Revised Version
48. Brennan, Clark & Shaver
49. Seydi, Falahati Tafti, Sadeqi & Rezaie
50. Fraley, Waller & Brennan
51. Lopez & Gormley
52. Lopez, Mauricio, Gormley, Simko & Berger
53. Lopez, Mitchell & Gormley
54. Vogel & Wei
55. Mallinckrodt, Russell & Abraham
56. Panaghi, Maleki, Zabihzadeh, Posh-Mashhadi & Soltani Nejad
57. Rosenberge Self-esteem Scale
58. Sobel test
59. Brown, Larson, Harper & Holman
60. Dennison, Koerner & Segrin
61. Jang, Chung & Lee

26. Johnson
27. Dibaji Forushani, Emamipour & Mahmoudi
28. Creasey & Hesson McInnus
29. Ghoroghi, Aishah Hassan & Baba
30. Mohammadi, Samavi & Ghazavi
31. Baron & Kenny
32. Kerlinger & Pedhazur
33. Family of Origin Scale
34. Hovestadt, Anderson, Piercy, Cochran & Fine
35. Ryan, Kawash, Fine & Powell
36. Hosini, Nazari, Rasooli, Shakarami & Hosini
37. Capps, Searight, Russo, Temple & Rogers
62. Hosseinian, Yazdi & Jasbi
63. Kamel Abbasi, Tabatabaei, Aghamohammadiyan & Karshki
64. Beyranvand, Azizi & Dehghan Menshadi
65. Ghezselflo, Jazayeri, Bahrmii & Mohammadi Fesharaki
66. Raeisipour
67. Egeci & Gencoz
68. Motadayen, Asayesh & Eftekhari
69. Zarandi, Ramezani & Javahery Kamel
70. Markman, Rhoades, Stanley, Ragan & Whitton

منابع

- اصلانی، خ.، صیادی، ع.، و امان‌الهی، ع. (۱۳۹۱). رابطه بین سبک‌های دلبستگی با کارکرد خانواده و سلامت عمومی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲(۳)، ۱۷۷-۱۶۳.
- بیرامی، م.، فهیمی، ص.، اکبری، ا.، و امیری پیچاکلابی، ا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و مولفه‌های تمایزافتگی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱(۱)۱۴، ۷۷-۶۴.
- بیرانوند، ح.، عزیز، ا.، و دهقان منشادی، س. م. (۱۳۹۵). بررسی همبستگی سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی با رضایت زناشویی در معلمان زن متأهل. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۲۶(۱۳۵)، ۱۵۲-۱۴۹.
- پناغی، ل.، ملکی، ق.، ذبیح‌زاده، ع.، پشت مشهدی، م.، و سلطانی‌نژاد، ز. (۱۳۹۲). رویی، پایایی و ساختار عاملی مقیاس تجارب مربوط به روابط نزدیک (ECR). *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۹(۴)، ۳۱۳-۳۰۵.
- تیموری آسفیچی، ع.، غلامعلی لواسانی، م.، و بخشایش، ع. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و خودمتمایزسازی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱(۴)، ۴۶۳-۴۴۱.
- حسینیان، س.، یزدی، س. م.، و جاسبی، م. (۱۳۸۶). رابطه بین سطح سلامت خانواده اصلی و رضایت زناشویی زنان دبیر آموزش و پرورش شهرستان کرج. *پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، ۳(۱)، ۷۶-۶۳.
- حسینی، س. م.، نظری، ع. م.، رسولی، م.، شاکرمی، م.، و حسینی، م. (۱۳۹۳). رابطه سلامت خانواده اصلی با صمیمیت زناشویی: بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض سازنده و غیر سازنده. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۱۸(۳۲)، ۷۶-۶۷.
- دیباچی فروشانی، ف. س.، امامی‌پور، س.، و محمودی، غ. (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت زناشویی زنان. *مجله اندیشه و رفتار (روان‌شناسی کاربردی)*، ۳(۱۱)، ۸۷-۱۰۱.
- رجبی، غ. (۱۳۸۸). ساختار عاملی مقیاس رضایت زناشویی در کارکنان متأهل دانشگاه شهید چمران. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۵(۴)، ۳۵۸-۳۵۱.
- زرنی، ع.، رضانی، و. ا.، و جواهری کامل، ع. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ترکیب سبک دلبستگی زوجها و رضایت زناشویی. *فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۳۵، ۱۴۷-۱۳۳.

- صیدی، م. س.، فلاح تفتی، ا.، صادقی، م. ا.، و رضایی، خ. (۱۳۹۲). نقش سبک دلبستگی و سازگاری زناشویی در سرسختی خانواده. *فصلنامه نسیم تندرستی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری*، ۱(۱)، ۳۹-۴۷.
- علیزاده‌فرد، س.، محمدنیا، م.، و زیمباردو، ف. ج. (۱۳۹۵). مدل رابطه ابعاد چشم‌انداز زمان و رضایت زناشویی با توجه به اثرات میانجی بهزیستی روان‌شناختی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲(۲)، ۱۹۷-۲۱۴.
- فرحبخش، ک. (۱۳۹۰). همبستگی بین خانواده اصلی ادراک شده و خصوصیات خانواده هسته‌ای و رابطه آن با تعارض زناشویی. *مجله فرهنگ روان‌درمانی و مشاوره*، ۲(۲)، ۳۵-۶۰.
- کرلینجر، اف. ان.، و پدهازور، ای. جی. (۱۹۷۳). رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری، ترجمه ح. سرایی (۱۳۶۶). جلد اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- متدین، م.، آسایش، م.، و افتخاری، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل. *دومین همایش ملی روان‌شناسی - روان‌شناسی خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت*.
- مختاری، م.، احمدی، س.، و حجتی‌نیا، م. (۱۳۹۵). رضایت زناشویی زنان و ارتباط آن با سرمایه فرهنگی زوجین. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴(۱)، ۵۷۴-۵۵۵.

- Alizadehfard, S., Mohamadnia, M., & Zimbardo, F. G. (2016). [The Model of Relationship between Time Perspective Dimensions and Marital Satisfaction with Considering the Mediative Role of Psychological Wellbeing]. *Journal of Family Research*, 12(2), 197-214 [in Persian].
- Aslani, K., Sayadi, A., & Amanolahi, A. (2012). [The relationship between attachment styles with family functioning and general health]. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 2(2), 163-177 [in Persian].
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator–mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality Social Psychological*, 51(6), 1173-1182.
- Beyrami, M., Fahimi, S., Akbari, E., & Amiri Pichakalayi, A. (2012). [Predicting marital satisfaction based on attachment styles and self-differentiation components]. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 14(1), 64-77 [in Persian].
- Beyranvand, H., Azizi, A., & Dehghan Menshadi, S. M. (2016). [Investigating the Correlation between attachment styles and spiritual intelligence with marital satisfaction among married female teachers]. *Journal of Medical Sciences University of Mazandaran*, 26(135), 149-152 [in Persian].
- Botha, A., Van Den Berg, H. S., & Venter, C. A. V. (2009). The relationship between family-of-origin and marital satisfy action. *Journal of Interdisciplinary Health Science*, 14(1), 441-447.
- Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview. In J. A., Simpson & W. S., Rholes (Eds.), *Attachment Theory and Close Relationships*. (pp. 46–76). New York: Guilford.
- Brown, M. D., Larson, J. H., Harper, J. M., & Holman, T. B. (2015). Family-of-Origin experience and emotional health as predictors of relationship self-regulation in marriage: Predictors of relationship self-regulation. *Journal of Family Therapy*, 38(3), 1-20.
- Buboltz, W. C., Johnson, P. M., & Woller, K. M. (2003). Psychological reactance in college students, family of origin predictors. *Journal of Counseling and Development*, 81(1), 311-317.
- Capps, S., Searight, H. R., Russo, J. R., Temple, L., & Rogers, B. (1993). The family-of-origin scale: Discriminant validity with adult children of alcoholics. *The American Journal of Family Therapy*, 21(10), 274-277.

- Corcoran, K., & Fischer, J. (2000). Measures for clinical practice: A sourcebook. Vol 1. Couples, families, and children. 3rd Ed. New York, NY: The Free Press.
- Creasey, G., & Hesson-Mc Innus, M. (2001). Affective responses, cognitive appraisals, and conflict tactics in late adolescent romantic relationships associations with attachment orientation. *Journal of Counseling Psychology*, 48(6), 85-96.
- DeMoss, Y. (2004). *Brief interventions and resiliency in couples*. Doctoral Thesis, Northcentral University, Prescott, Arizona.
- Dennison, R. P., Koerner, S. S., & Segrin, C. (2014). A dyadic examination of family-of-origin influence on newlyweds' marital satisfaction. *Journal of Family Psychology*, 28(3), 429-435.
- Dibaji Forushani, F. S., Emamipour, S., & Mahmoudi, Gh. (2009). [The relationship between attachment styles and conflict resolution pttrens with women's marital satisfaction]. *Journal of Andisheh va Raftar (Applied Psychology)*, 3(11), 87-101 [in Persian].
- Egeci, I. S., & Gencoz, T. (2013). The Effects of Attachment Styles, Problem-Solving Skills, and Communication Skills on Relationship Satisfaction. *Social and Behavioral Sciences*, 30(8), 2324-2329.
- Falcke, D., Wagner, A., & Mosmann, C. P. (2008). The relationship between family of origin and marital adjustment for couple in Brazil. *Journal of Family Psychotherapy*, 19(2), 170-186.
- Farahbakhsh, K. (2011). [The Correlation between perceived characteristics of family of origin and current family and their relation with marital conflict]. *Journal of Culture Counseling*, 6(2), 35-60 [in Persian].
- Fraley, R. C., Waller, N. G., & Brennan, K. A. (2000). An item-response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(10), 350-365.
- Gavin, L. A., & Wamboldt, F. S. (1992). A reconsideration of the family of origin scale. *Journal of Marital & Family Therapy*, 18(7), 179-188.
- Ghezelseflo, M., Jazayeri, R., Bahrmi, F., & Mohammadi Fesharaki, R. (2016). The role of relational maintenance behavior and attachment styles in predicting marital commitment. *Asian Social Science*, 12(9), 223-229.
- Ghoroghi, S., Aishah Hassan, S., & Baba, M. (2012). Function of family of origin experiences and marital adjustment among married Iranian students of University Putra Malaysia. *International Journal of Psychological Studies*, 4(3), 94-103.
- Halford, W. K., Sanders, M. R., & Behrens, B. (2001). Can skill training prevent relationship problems in at risk couple? Four-year effect of a behavioral relationship education program. *Journal of Family Psychology*, 15(9), 750-768.
- Hosini, S. M., Nazari, A. M., Rasooli, M., Shakarami, M., & Hosini, M., (2014). [The relationship of main family health and marital intimacy: Evaluating the mediating role of constructive and non-constructive conflict resolution styles]. *Journal of Clinical Psychology Andishe va Raftar*, 8(32), 67-89 [in Persian].
- Hosseinian, S., Yazdi, S. M., & Jasbi, M. (2007). [Relationship between the level of family of origin's health and marital satisfaction among married female school teachers of Karaj County]. *Journal of Educational and Psychological Research*, 3(1), 63-76 [in Persian].
- Hovestadt, A. J., Anderson, W. T., Piercy, F. P., Cochran, S. W., & Fine, M. (1985). A family of origin scale. *Journal of Marital & Family Therapy*, 11(2), 287-297.
- Jang, S. W., Chung, H. J., & Lee, J. Y. (2011). The influence of family-of-origin experiences on marital intimacy. *Journal of Family Relations*, 15, 93-111.

- Johnson, K. R. (2012). *Adult Attachment, Social Comparison, Romantic Relationship Experience, and Well-Being*. Doctoral Thesis, Heriot-Watt University, Edinburgh, Scotland.
- Kamel Abbasi, A. R., Tabatabaei, S. M., Aghamohammadiyan, S., & Karshki, H. (in press). Relationship of attachment styles and emotional intelligence with marital satisfaction. *Iranian Journal of Psychiatric and Behavioral Sciences*.
- Karantzas, G. C., Feeny, J. A., & Wilkinson, R. (2010). Is less many? Confirmatory factor analysis of the attachment style questionnaire. *Journal of Social and Personal Relationships, 27*(6), 749-780.
- Kerlinger, F. N., & Pedhazur, E. J. (1973). *Multivariate regression in behavioral research* (H. Soraiy, Trans.). Vol 1. Tehran: Daneshgahi Press Center [in Persian].
- Lopez, F. G., & Gormley, B. (2002). Stability and change in adult attachment style over the first-year college transition: Relations to self-confidence, coping, and distress patterns. *Journal of Counseling Psychology, 49*(10), 366-364.
- Lopez, F. G., Mauricio, A. M., Gormley, B., Simko, T., & Berger, E. (2001). Adult attachment orientations and college student distress: The mediating role of problem coping styles. *Journal of Counseling & Development, 79*(1), 459-464.
- Lopez, F. G., Mitchell, P., & Gormley, B. (2002). Adult attachment and college student distress: Test of a mediational model. *Journal of Counseling Psychology, 49*(1), 460-467.
- Markman, H. J., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., Ragan, E. P., & Whitton, S. W. (2010). The premarital communication roots of marital distress and divorce: The first five years of marriage. *Journal of Family Psychology, 24*(3), 289-298.
- Mohammadi, K., Samavi, A., & Ghazavi, Z. (2016). The Relationship between Attachment Styles and Lifestyle with Marital Satisfaction. *Iranian Red Crescent Medical Journal, 18*(4), 238-239.
- Mokhtari, M., Ahmadi, S., & Hojatnia, M. (2016). [Marital satisfaction and its relationship with couples' cultural capital]. *Journal of Family Research, 12*(4), 555-575 [in Persian].
- Moos, R., & Moos, B. (1986). *Family Environment Scale Manual*. 2nd Ed. Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
- Motadayen, M., Asayesh, M. H., & Eftekhari, M. (2011). The relationship of attachment styles and marital satisfaction among married college students. *The National Conference on Family Psychology-Psychology, Islamic Azad University of Shiraz, Shiraz*.
- Muraru, A. A., & Turliuc, M. N. (2012). Family of origin, romantic attachment, and marital adjustment: a path analysis model. *Social and Behavioral Sciences, 33*(1), 90-94.
- Niedermeier, C. L., Searight, H. R., Handal, P. J., Manley, C. M., & Brown, N. Y. (1995). Perceived family functioning among adolescent psychiatric inpatients: validity of the Family-of-origin Scale. *Child Psychiatry and Human Development, 25*(6), 253-265.
- Nimtz, M. A. (2011). *Satisfaction and contributing factors in satisfying long terms marriage: A phenomenological study*. Doctoral Thesis, Liberty University, Virginia.
- Panaghi, L., Maleki, Q., Zabihzadeh, A., PoshtMashhadi, M., & Soltani Nejad, Z. (2013). [Validity, reliability, and factorial structure of Experiences in Close Relationships (ECR) Scale]. *Journal of Iranian Psychiatry and Clinical Psychology, 19*(4), 305-313 [in Persian].
- Raeisipoor, Z. (2013). Relationships between married adults' attachment styles and sexual and relationship satisfaction. *Journal of Educational and Management Studies, 3*(4), 514-519.
- Rajabi, G. R. (2010). [Factorial structure of Marital Satisfaction Scale in married staff Members of Shahid Chamran University]. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology, 15*(4), 351-358 [in Persian].

- Ryan, B. A., Kawash, G. F., Fine, M., & Powel, B. (1994). The Family of Origin Scale: A construct validation study. *Contemporary Family Therapy, 16*(4), 145-159.
- Seydi, M. S., Falahati Tafti, S., Sadeqi, M. S., & Rezaie, Kh. (2013). [Role of attachment style and marital adjustment on families' hardiness]. *Journal of Nasim Tandorosti, Faculty of Medical Sciences of Islamic Azad University, Sari Branch, 2*(1), 39-47 [in Persian].
- Shackelford, T. K., Besser, A., & Goetz, A. T. (2008). Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity. *Individual Differences Research, 6*(8), 13-25.
- Spanier, G. B. (1989). *Dyadic Adjustment Scale (DAS) Manual*. North Tonawanda, NY: Multi-Health Systems.
- Sprecher, S., Wenzel, A., & Harvey, J. (2008). *Handbook of relationship initiation*. New York: Taylor & Francis group.
- Stutzman, S. V., Bean, R. A., Miller, R. B., Randall, D., Feinauer, L. L., Porter, C. L., & Moore, A. (2011). Marital conflict and adolescent outcomes; A cross-ethnic group comparison of Latino and European American youth. *Children & Youth Services Review, 33*(5), 663-668.
- Teimoori Asfichi, A., Qolamali Lavasani, M., & Bakhshayesh, A. R. (2012). [Predicting marital satisfaction on the basis of attachment styles and differentiation of self]. *Journal of Family Research, 8*(4), 441-463 [in Persian].
- Vogel, D. L., & Wei, M. (2005). Adult attachment and help-seeking intent: The mediating roles of psychological distress and perceived social support. *Journal of Counseling Psychology, 52*(9), 347-357.
- Wei, M., Mallinckrodt, B., Russell, D. W., & Abraham, T. W. (2004). Maladaptive perfectionism as a mediator and moderator between attachment and negative mood. *Journal of Counseling Psychology, 51*(8), 201-212.
- Whitton, S. W. (2008). Prospective associations from family-of-origin interaction to adult marital interactions and relationship adjustment. *Journal of Family Psychology, 22*(2), 1274-1286.
- Yedirir, S., & Hamarta, E. (2015). Emotional expression and spousal support as predictors of marital satisfaction: The case of Turkey. *Educational Sciences Theory & Practice, 15*(6), 1549-1558.
- Zarandi, A., Ramezani, V. A., & Javahery Kamel, A. (2010). [Investigating the relationship between couples' attachment styles and marital satisfaction]. *Journal of Counseling Research, 35*, 133-147 [in Persian].